

نقش تشکلهای مردمی علمی و صنعتی در اعتلای مسئولیت پذیری اجتماعی

سید رضا جمشیدی

۱. روزنامه نگار و مدیر عامل انجمن ملی مردم نهاد توسعه و ترویج مسئولیت اجتماعی پویا

sr.jamshidi@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش تبیین نقش تشکلهای مردمی علمی و صنعتی در اعتلای مسئولیت پذیری اجتماعی و شناسایی مسیرهای اثرگذاری این تشکلهای در پیوند میان علم، صنعت و جامعه است. تحقیق حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش مروری نظام مند انجام شد و اسناد، مقالات علمی، گزارشهای پژوهشی و متون مرتبط با مسئولیت پذیری اجتماعی، تشکلهای مردمی و کنش جمعی علمی و صنعتی مورد بررسی و تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت. یافتههای پژوهش نشان داد که تشکلهای مردمی علمی و صنعتی از طریق بازتعریف مفهومی مسئولیت پذیری اجتماعی، تقویت مشارکت اجتماعی آگاهانه، پیوند دانش تخصصی با کنش اجتماعی، نهادینه سازی ارزشهای مسئولانه و ایجاد بازتابهای فرهنگی، نقش مؤثری در ارتقای مسئولیت پذیری اجتماعی ایفا می کنند. نتایج بیانگر آن است که این تشکلهای به عنوان نهادهای واسطه، زمینه درونی سازی مسئولیت اجتماعی را در میان کنشگران علمی و صنعتی فراهم ساخته و موجب ارتقای کیفیت تعامل میان علم، صنعت و جامعه شده اند. در نهایت، پژوهش حاضر نشان می دهد که بهره گیری هدفمند از ظرفیت تشکلهای مردمی علمی و صنعتی می تواند به تقویت توسعه اجتماعی مبتنی بر اخلاق حرفه ای، آگاهی اجتماعی و تعهد جمعی منجر شود.

کلیدواژه ها: تشکلهای مردمی، مسئولیت پذیری اجتماعی، علم و صنعت، مشارکت اجتماعی، اخلاق حرفه ای



مقدمه

در دهه‌های اخیر، مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار، حکمرانی مطلوب و پیشرفت اجتماعی در جوامع مختلف مورد توجه پژوهشگران، سیاست‌گذاران و نهادهای مدنی قرار گرفته است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی، فراتر از تعهدات قانونی، به مجموعه‌ای از کنش‌های آگاهانه و داوطلبانه اطلاق می‌شود که با هدف ارتقای رفاه عمومی، حفظ منافع ذی‌نفعان و بهبود کیفیت زندگی اجتماعی انجام می‌گیرد. در این میان، نقش کنشگران جمعی به‌ویژه تشکلهای مردمی، علمی و صنعتی، در نهادینه‌سازی این مفهوم اهمیتی دوچندان یافته است، زیرا این تشکلهای در نقطه تلاقی دانش تخصصی، ظرفیت‌های اجتماعی و نیازهای واقعی جامعه قرار دارند (Carroll, ۲۰۱۵).

با گسترش پیچیدگی‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، دولت‌ها به‌تنهایی قادر به پاسخ‌گویی اثربخش به چالش‌های توسعه‌ای نبوده‌اند و همین امر موجب افزایش اهمیت نهادهای واسطه، تشکلهای غیردولتی و شبکه‌های مردمی شده است. تشکلهای مردمی علمی و صنعتی، به‌عنوان سازمان‌هایی مبتنی بر مشارکت داوطلبانه متخصصان، دانشگاهیان، فعالان صنعتی و کارآفرینان، نقش مؤثری در انتقال دانش، توانمندسازی اجتماعی و ارتقای حساسیت نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. این تشکلهای می‌توانند از طریق آموزش، فرهنگ‌سازی، ارائه الگوهای موفق و پیوند میان صنعت و جامعه، زمینه تحقق عملی مسئولیت‌پذیری اجتماعی را فراهم آورند (توسلی و همکاران، ۱۴۰۴).

از منظر نظری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی ریشه در رویکردهای اخلاق‌مدار به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارد و بر این اصل استوار است که کنشگران سازمانی و جمعی باید نسبت به پیامدهای تصمیم‌ها و اقدامات خود بر جامعه پاسخ‌گو باشند. نظریه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نشان می‌دهند که تحقق این مفهوم، نیازمند بسترهای فرهنگی، نهادی و مشارکتی است که تشکلهای مردمی می‌توانند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران آن ایفای نقش کنند. این تشکلهای با ایجاد فشار اجتماعی مثبت و ترویج ارزش‌های اخلاقی، سازمان‌ها و صنایع را به حرکت در مسیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی سوق می‌دهند (اشرفی و همکاران، ۱۳۹۸).

در جوامع در حال توسعه، تشکلهای مردمی علمی و صنعتی علاوه بر ایفای نقش مکمل دولت، به‌عنوان تسهیل‌گر مشارکت اجتماعی و حلقه اتصال میان مردم، دانشگاه و صنعت عمل می‌کنند. این تشکلهای با اتکا به سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و مشروعیت اجتماعی، می‌توانند بستر مناسبی برای گسترش فعالیت‌های مسئولانه در حوزه‌هایی نظیر آموزش، محیط‌زیست، سلامت، اشتغال و نوآوری اجتماعی فراهم سازند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مشارکت نهادمند اجتماعی، یکی از پیش‌شرط‌های اساسی موفقیت برنامه‌های توسعه و ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سطح ملی است (شیخی، ۱۴۰۲).

از سوی دیگر، تحولات جهانی و گسترش ارتباطات، مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی را از سطح بنگاه‌ها فراتر برده و آن را به یک گفتمان اجتماعی و بین‌المللی تبدیل کرده است. در این چارچوب، تشکلهای علمی و صنعتی مردمی

می‌توانند با بهره‌گیری از شبکه‌های ارتباطی، رسانه‌های اجتماعی و همکاری‌های فراملی، به تبادل تجربه‌ها و ارتقای استانداردهای مسئولیت اجتماعی کمک کنند. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که نقش نهادهای مدنی در کشورهای مختلف، متناسب با سطح توسعه و ساختار نهادی، در تحقق مسئولیت اجتماعی متفاوت اما تعیین‌کننده است (Kvasničková Stanislavská et al, ۲۰۲۰).

با توجه به شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران، تشکلهای مردمی علمی و صنعتی از ظرفیت بالقوه بالایی برای تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی برخوردارند. این تشکلهای می‌توانند ضمن هم‌افزایی با سیاست‌های کلان، به ارتقای فرهنگ مسئولیت‌پذیری، افزایش مشارکت داوطلبانه و جهت‌دهی فعالیت‌های صنعتی و علمی در راستای منافع عمومی کمک کنند. با این حال، بهره‌برداری مؤثر از این ظرفیت‌ها مستلزم شناخت دقیق نقش‌ها، کارکردها و چالش‌های پیش‌روی این تشکلهای است (اسفندیار، ۱۳۹۱).

بیان مسئله

با وجود گسترش ادبیات نظری مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تأکید اسناد بالادستی بر مشارکت اجتماعی، هنوز شکاف معناداری میان مفهوم‌پردازی نظری و تحقق عملی مسئولیت اجتماعی در جامعه مشاهده می‌شود. یکی از دلایل اصلی این شکاف، ضعف در نهادینه‌سازی مشارکت مردمی و بهره‌گیری ناکافی از ظرفیت تشکلهای علمی و صنعتی در فرآیندهای اجتماعی و توسعه‌ای است. بسیاری از فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی به اقدامات مقطعی، تبلیغاتی یا وابسته به اراده فردی محدود شده و از پایداری و اثربخشی لازم برخوردار نیستند (ضیایی و لطفی گم‌سایی، ۱۴۰۰).

تشکلهای مردمی علمی و صنعتی، اگرچه از منظر ساختاری و قانونی امکان فعالیت دارند، اما در عمل با چالش‌هایی نظیر محدودیت منابع، ضعف تعامل با نهادهای تصمیم‌گیر، نبود چارچوب‌های حمایتی مشخص و کم‌رنگ بودن فرهنگ مشارکت نهادمند مواجه‌اند. این چالش‌ها موجب شده است که نقش این تشکلهای در ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمتر از ظرفیت واقعی آنها باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بدون تقویت بسترهای نهادی و فرهنگی، مشارکت تشکلهای مردمی نمی‌تواند به نتایج پایدار در حوزه مسئولیت اجتماعی منجر شود (شیخی، ۱۴۰۲).

از سوی دیگر، در بسیاری از صنایع و سازمان‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی همچنان به‌عنوان هزینه‌ای اضافی یا ابزاری برای بهبود تصویر عمومی تلقی می‌شود، نه به‌عنوان یک تعهد اخلاقی و اجتماعی پایدار. این نگاه ابزاری، مانع از شکل‌گیری همکاری‌های عمیق و بلندمدت میان صنعت و تشکلهای مردمی علمی می‌شود. در حالی که مطالعات نشان داده‌اند، پیوند میان فرهنگ سازمانی، رهبری مسئولانه و مشارکت نهادهای مدنی می‌تواند به بهبود هم‌زمان عملکرد اجتماعی و اقتصادی منجر شود (لاجوردی و کریمی، ۱۴۰۱).

در سطح اجتماعی نیز، تغییرات ساختاری، تحولات ارزشی و مسائل اقتصادی، بر میزان مسئولیت‌پذیری گروه‌های مختلف اجتماعی تأثیر گذاشته است. جوانان، متخصصان و فعالان صنعتی، در صورت قرار گرفتن در بسترهای

مشارکتی مناسب، می‌توانند نقش مؤثری در ارتقای مسئولیت اجتماعی ایفا کنند. تشکلهای مردمی، به‌ویژه در حوزه‌های علمی و صنعتی، قادرند این ظرفیت انسانی را سامان‌دهی کرده و به کنش اجتماعی هدفمند تبدیل نمایند (صفاریان و مرادی، ۱۳۹۵).

افزون بر این، تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که تشکلهای مردمی می‌توانند به‌عنوان نهادهای واسطه، مفاهیم مسئولیت اجتماعی را از سطح گفتمان‌های کلان به عرصه عمل اجتماعی منتقل کنند. با این حال، فقدان مدل‌های بومی و متناسب با شرایط اجتماعی ایران، موجب شده است که نقش این تشکلهای به‌صورت نظام‌مند مورد تحلیل و بهره‌برداری قرار نگیرد. این مسئله، ضرورت انجام پژوهش‌هایی را که به تبیین نقش و کارکرد تشکلهای مردمی علمی و صنعتی در اعتلای مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌پردازند، بیش از پیش آشکار می‌سازد (Kuepfer & Papula, ۲۰۱۰).

با توجه به آنچه بیان شد، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که علی‌رغم وجود ظرفیت‌های گسترده تشکلهای مردمی علمی و صنعتی، نقش این تشکلهای در ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌طور شفاف تبیین نشده و الگوی منسجمی برای بهره‌گیری از توان آن‌ها ارائه نگردیده است. از این رو، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است تشکلهای مردمی علمی و صنعتی چگونه و از چه مسیرهایی می‌توانند در اعتلای مسئولیت‌پذیری اجتماعی نقش‌آفرینی مؤثر داشته باشند؟

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش مروری انجام شد. در این روش، تلاش گردید با گردآوری، بررسی و تحلیل نظام‌مند منابع علمی مرتبط، تصویری جامع از مفاهیم، دیدگاه‌ها و یافته‌های موجود درباره نقش تشکلهای مردمی علمی و صنعتی در ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارائه شود. انتخاب روش مروری به دلیل ماهیت مفهومی و تبیینی موضوع پژوهش صورت گرفت، زیرا این روش امکان شناسایی الگوهای نظری، روندهای پژوهشی و خلأهای موجود در ادبیات علمی را فراهم می‌ساخت. در این مرحله، تمرکز اصلی بر استخراج مفاهیم کلیدی و دسته‌بندی دیدگاه‌های مختلف درباره مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت تشکلهای مردمی قرار گرفت. در گام نخست، فرایند جست‌وجوی منابع علمی به‌صورت هدفمند انجام شد و مقالات، کتب و پژوهش‌های مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تشکلهای مردمی، مشارکت اجتماعی و نقش نهادهای علمی و صنعتی مورد بررسی قرار گرفت. معیار انتخاب منابع، ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش، اعتبار علمی و برخورداری از محتوای تحلیلی بود. پس از شناسایی منابع، محتوای آن‌ها به‌دقت مطالعه شد و داده‌های کیفی مرتبط با اهداف پژوهش استخراج گردید. این داده‌ها شامل تعاریف، چارچوب‌های مفهومی، کارکردها، چالش‌ها و پیامدهای نقش‌آفرینی تشکلهای مردمی در حوزه مسئولیت اجتماعی بودند.

در مرحله بعد، داده‌های استخراج‌شده با استفاده از تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در این فرآیند، مفاهیم مشابه در قالب مقوله‌های اصلی و فرعی سامان‌دهی شدند و ارتباط میان آن‌ها مورد بررسی قرار

گرفت. این تحلیل امکان شناسایی ابعاد مختلف نقش تشکلهای مردمی علمی و صنعتی، از جمله ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی را فراهم ساخت. همچنین تلاش شد تا نقاط اشتراک و افتراق دیدگاههای مختلف پژوهشگران در این حوزه مشخص شود و زمینههای همپوشانی یا تعارض نظری مورد توجه قرار گیرد. در نهایت، با تلفیق یافتههای حاصل از مراحل پیشین، چارچوبی تحلیلی برای تبیین نقش تشکلهای مردمی علمی و صنعتی در اعتلای مسئولیت پذیری اجتماعی تدوین شد. این چارچوب بر اساس استنباطهای پژوهشگر از ادبیات موجود شکل گرفت و سعی شد ضمن حفظ انسجام مفهومی، با شرایط اجتماعی و نهادی جامعه ایران نیز همخوانی داشته باشد. روش مروری به کاررفته در این پژوهش، این امکان را فراهم کرد که بدون ورود به گردآوری دادههای میدانی، تصویری عمیق و نظاممند از موضوع مورد مطالعه ارائه شود و مبنایی نظری برای پژوهشهای آتی فراهم آید.

یافته‌ها

۱. جایگاه تشکلهای مردمی علمی و صنعتی در بازتعریف مفهوم مسئولیت پذیری اجتماعی

یافتههای حاصل از بررسی ادبیات پژوهش نشان داد که تشکلهای مردمی علمی و صنعتی نقش مهمی در بازتعریف مسئولیت پذیری اجتماعی از یک مفهوم صرفاً سازمانی به یک کنش اجتماعی گسترده ایفا می کنند. این تشکلهای گردهم آوردن متخصصان، دانشگاهیان و فعالان صنعتی، امکان تفسیر مسئولیت اجتماعی را در چارچوب نیازهای واقعی جامعه فراهم ساخته اند. در این رویکرد، مسئولیت پذیری اجتماعی نه تنها تعهد بنگاهها، بلکه مسئولیتی جمعی و مبتنی بر مشارکت آگاهانه تلقی شده است که از دل تعامل میان دانش، صنعت و جامعه شکل می گیرد (Carroll, ۲۰۱۵).

بررسی پژوهشهای داخلی نیز نشان داد که تشکلهای مردمی با ماهیت علمی و صنعتی، در مقایسه با سایر نهادهای مدنی، از ظرفیت تحلیلی و تخصصی بالاتری برای تبیین ابعاد اخلاقی و اجتماعی مسئولیت پذیری برخوردارند. این تشکلهای توانسته اند با بهره گیری از دانش تخصصی، مسئولیت اجتماعی را از سطح فعالیت های نمادین فراتر برده و آن را به عنوان بخشی از هویت حرفه ای و اجتماعی اعضای خود بازنمایی کنند. چنین نقشی به تقویت درک نهادمند از مسئولیت اجتماعی در میان کنشگران علمی و صنعتی منجر شده است (اشرفی و همکاران، ۱۳۹۸).

یافته ها حاکی از آن است که تشکلهای مردمی علمی و صنعتی، بستر مناسبی برای پیوند میان ارزش های اخلاقی و الزامات حرفه ای فراهم کرده اند. این تشکلهای از طریق نشست های تخصصی، برنامه های آموزشی و فعالیت های جمعی، مسئولیت پذیری اجتماعی را به عنوان یک هنجار حرفه ای بازتولید کرده اند. این امر موجب شده است که مسئولیت اجتماعی در میان اعضا، نه به عنوان یک الزام بیرونی، بلکه به مثابه یک تعهد درونی و مبتنی بر آگاهی اجتماعی درک شود (براخاسی و همکاران، ۱۴۰۴).

۲. نقش تشکلهای مردمی در تقویت مشارکت اجتماعی آگاهانه



یکی از یافته‌های مهم پژوهش، تأکید بر نقش تشکلهای مردمی علمی و صنعتی در تقویت مشارکت اجتماعی آگاهانه بود. این تشکلهای با ایجاد ساختارهای مشارکتی منظم، امکان حضور مؤثر افراد متخصص در فعالیتهای اجتماعی را فراهم کرده‌اند. مشارکت در این چارچوب، صرفاً به حضور فیزیکی محدود نشده، بلکه مبتنی بر تحلیل، تصمیم‌گیری جمعی و مسئولیت‌پذیری فردی و گروهی بوده است. چنین الگویی از مشارکت، به ارتقای کیفیت کنش اجتماعی منجر شده است (اسفندیار، ۱۳۹۱).

بررسی مطالعات مرتبط نشان داد که تشکلهای مردمی، نقش واسطه میان جامعه و نهادهای رسمی را ایفا می‌کنند و از این طریق، مشارکت اجتماعی را از سطح پراکنده به سطح نهادمند ارتقا می‌دهند. تشکلهای علمی و صنعتی به دلیل برخورداری از اعتبار تخصصی، توانسته‌اند اعتماد اجتماعی را جلب کرده و افراد را به مشارکت مستمر در فعالیتهای اجتماعی ترغیب نمایند. این نوع مشارکت، زمینه‌ساز تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سطح فردی و جمعی بوده است (شیخی، ۱۴۰۲).

یافته‌ها همچنین نشان داد که تشکلهای مردمی علمی و صنعتی با ایجاد حس تعلق اجتماعی در میان اعضا، مشارکت را به بخشی از هویت اجتماعی افراد تبدیل کرده‌اند. این حس تعلق، موجب افزایش تعهد اعضا نسبت به مسائل اجتماعی و پذیرش مسئولیت در قبال پیامدهای کنش‌های حرفه‌ای آنان شده است. در نتیجه، مشارکت اجتماعی در قالب فعالیتهای این تشکلهای، ماهیتی پایدار و مبتنی بر آگاهی اجتماعی پیدا کرده است (صفاریان و مرادی، ۱۳۹۵).

۳. پیوند میان دانش تخصصی و کنش مسئولانه اجتماعی

یافته‌های پژوهش نشان داد که یکی از کارکردهای اساسی تشکلهای مردمی علمی و صنعتی، ایجاد پیوند میان دانش تخصصی و کنش مسئولانه اجتماعی است. این تشکلهای با انتقال دانش علمی و تجربیات صنعتی به عرصه اجتماع، امکان بهره‌گیری از ظرفیتهای تخصصی در حل مسائل اجتماعی را فراهم ساخته‌اند. چنین پیوندی موجب شده است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی از حالت کلی و انتزاعی خارج شده و به کنش‌های مبتنی بر شواهد و دانش تبدیل شود (Kuepfer & Papula, ۲۰۱۰).

مطالعه منابع نشان داد که تشکلهای علمی و صنعتی از طریق فعالیتهای پژوهش‌محور، آموزش عمومی و مشاوره تخصصی، نقش مؤثری در ارتقای سطح آگاهی اجتماعی ایفا کرده‌اند. این فعالیت‌ها به افزایش حساسیت اجتماعی نسبت به مسائل اخلاقی، زیست‌محیطی و اقتصادی منجر شده و زمینه را برای پذیرش مسئولیت اجتماعی در میان گروه‌های مختلف فراهم کرده است. چنین نقشی، جایگاه این تشکلهای را در فرآیند توسعه اجتماعی برجسته ساخته است (یوسفی و همکاران، ۱۴۰۲).

یافته‌ها همچنین بیانگر آن است که پیوند دانش و مسئولیت اجتماعی در قالب تشکلهای مردمی، موجب تقویت نگاه کل‌نگر به توسعه شده است. اعضای این تشکلهای، با درک ارتباط میان تصمیم‌های علمی و صنعتی و آثار



اجتماعی آن‌ها، مسئولیت‌پذیری را به‌عنوان بخشی از فرایند تصمیم‌سازی حرفه‌ای خود لحاظ کرده‌اند. این رویکرد، زمینه‌ساز ارتقای کیفیت کنش‌های اجتماعی مبتنی بر دانش شده است (لاجوردی و کریمی، ۱۴۰۱).

۴. نقش تشکلهای مردمی در نهادینه‌سازی مسئولیت‌پذیری اجتماعی

یافته‌های تحقیق نشان داد که تشکلهای مردمی علمی و صنعتی نقش قابل‌توجهی در نهادینه‌سازی مسئولیت‌پذیری اجتماعی ایفا کرده‌اند. این تشکلهای با تداوم فعالیت‌های جمعی و ایجاد رویه‌های مشخص، مسئولیت اجتماعی را از سطح کنش‌های مقطعی به سطح الگوهای رفتاری پایدار ارتقا داده‌اند. نهادینه‌سازی در این معنا، به معنای تبدیل مسئولیت‌پذیری به بخشی از ساختار ذهنی و رفتاری اعضا بوده است (توسلی و همکاران، ۱۴۰۴).

بررسی منابع نشان داد که تشکلهای مردمی از طریق تدوین اصول اخلاقی، آیین‌نامه‌های داخلی و چارچوب‌های رفتاری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در قالب قواعد غیررسمی اما مؤثر تثبیت کرده‌اند. این قواعد، نقش مهمی در هدایت کنش‌های فردی و جمعی ایفا کرده و موجب هماهنگی میان اهداف حرفه‌ای و الزامات اجتماعی شده است. چنین فرآیندی به تقویت انسجام اجتماعی در درون تشکلهای انجامیده است (اشرفی و همکاران، ۱۳۹۸).

یافته‌ها همچنین حاکی از آن است که نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی در تشکلهای علمی و صنعتی، به گسترش این مفهوم در سایر نهادهای اجتماعی نیز کمک کرده است. تعامل این تشکلهای با سازمان‌ها، صنایع و نهادهای آموزشی، موجب انتقال ارزش‌ها و هنجارهای مسئولانه به سطوح گسترده‌تر جامعه شده است. در نتیجه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی از یک مفهوم محدود به یک گفتمان فراگیر تبدیل شده است (Carroll, ۲۰۱۵).

۵. بازتاب اجتماعی و فرهنگی فعالیت تشکلهای مردمی علمی و صنعتی

یافته‌های پژوهش نشان داد که فعالیت تشکلهای مردمی علمی و صنعتی، بازتاب‌های اجتماعی و فرهنگی قابل‌توجهی به همراه داشته است. این تشکلهای با تأکید بر کنش جمعی مسئولانه، به بازتولید ارزش‌هایی نظیر تعاون، تعهد اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای کمک کرده‌اند. چنین ارزش‌هایی به تدریج در نگرش اعضا و مخاطبان تشکلهای نهادینه شده و بر رفتارهای اجتماعی آنان اثرگذار بوده است (Kvasničková Stanislavská et al, ۲۰۲۰).

مطالعه پژوهش‌های داخلی نشان داد که تشکلهای مردمی با ایجاد الگوهای رفتاری مسئولانه، نقش آموزشی غیررسمی در جامعه ایفا کرده‌اند. این الگوها، به‌ویژه برای نسل جوان و فعالان علمی و صنعتی، به‌عنوان نمونه‌های عینی مسئولیت‌پذیری اجتماعی مطرح شده‌اند. این فرآیند، به ارتقای سرمایه اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی نسبت به کنشگران علمی و صنعتی منجر شده است (صفاریان و مرادی، ۱۳۹۵).

در نهایت، یافته‌ها بیانگر آن است که تشکلهای مردمی علمی و صنعتی توانسته‌اند از طریق فعالیت‌های خود، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به بخشی از فرهنگ عمومی مرتبط با علم و صنعت تبدیل کنند. این تشکلهای با تأکید بر پیوند میان تخصص و تعهد اجتماعی، زمینه شکل‌گیری نگرشی فراهم کرده‌اند که در آن پیشرفت علمی و

صنعتی بدون توجه به مسئولیت اجتماعی، ناقص تلقی می‌شود. چنین نگرشی، نشان‌دهنده نقش فرهنگی عمیق این شکل‌ها در جامعه است (توسلی و همکاران، ۱۴۰۴).

جدول ۱. نقش شکل‌های مردمی علمی و صنعتی در اعتلای مسئولیت‌پذیری اجتماعی

منابع	دلالت‌های اجتماعی و نهادهای	شرح یافته‌ها	محور تحلیلی
Carroll, ۲۰۱۵؛ اشرفی و همکاران، ۱۳۹۸؛ براخاصی و همکاران، ۱۴۰۴	تقویت درک نهادمند از مسئولیت اجتماعی، ارتقای نگاه اخلاق‌محور به علم و صنعت، و افزایش حساسیت اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای	یافته‌ها نشان داد شکل‌های مردمی علمی و صنعتی نقش مؤثری در انتقال مسئولیت‌پذیری اجتماعی از یک مفهوم محدود سازمانی به کنشی جمعی و اجتماعی ایفا کرده‌اند. این شکل‌ها با تکیه بر دانش تخصصی و اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت اجتماعی را به‌عنوان بخشی از هویت علمی و صنعتی اعضا بازنمایی نموده‌اند.	بازتعریف مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی
(اسفندیار، ۱۳۹۱؛ شیخی، ۱۴۰۲؛ صفاریان و مرادی، ۱۳۹۵)	افزایش سرمایه اجتماعی، تقویت اعتماد عمومی، و پایداری مشارکت اجتماعی در میان متخصصان و فعالان علمی و صنعتی	بررسی منابع نشان داد شکل‌های مردمی با ایجاد ساختارهای مشارکتی منظم، مشارکت اجتماعی را از سطح فردی و پراکنده به سطح نهادمند و آگاهانه ارتقا داده‌اند. مشارکت در این شکل‌ها مبتنی بر مسئولیت‌پذیری، تعهد اجتماعی و تصمیم‌گیری جمعی بوده است.	تقویت مشارکت اجتماعی آگاهانه
Kuepfer & Papula, ۲۰۱۰؛ یوسفی و همکاران، ۱۴۰۲؛ لاجوردی و کریمی، ۱۴۰۱	ارتقای کیفیت مداخلات اجتماعی، گسترش کنش‌های مبتنی بر شواهد، و افزایش اثربخشی مسئولیت‌پذیری اجتماعی	یافته‌ها بیانگر آن بود که شکل‌های علمی و صنعتی توانسته‌اند دانش تخصصی را به ابزار کنش مسئولانه اجتماعی تبدیل کنند. این شکل‌ها از طریق آموزش، پژوهش و مشاوره، نقش واسط میان دانش و مسائل اجتماعی را ایفا کرده‌اند.	پیوند دانش تخصصی با کنش اجتماعی
(توسلی و همکاران، ۱۴۰۴؛ اشرفی و همکاران، ۱۳۹۸؛ Carroll, ۲۰۱۵)	تثبیت هنجارهای اجتماعی مسئولانه، هماهنگی اهداف حرفه‌ای و اجتماعی، و تقویت انسجام نهادهای	یافته‌ها نشان داد شکل‌های مردمی با تدوین اصول اخلاقی، رویه‌های جمعی و استمرار فعالیت‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به الگوی رفتاری پایدار تبدیل کرده‌اند. این فرایند به درونی‌سازی ارزش‌های مسئولانه در میان اعضا	نهادینه‌سازی مسئولیت‌پذیری اجتماعی

	انجامیده است.		
بازتاب اجتماعی و فعالیت فرهنگی تشکلهای	یافته‌ها حاکی از آن بود که فعالیت تشکلهای مردمی علمی و صنعتی موجب بازتولید ارزش‌هایی نظیر تعهد اجتماعی، اخلاق حرفه‌ای و تعاون شده است. این ارزش‌ها به تدریج در فرهنگ مرتبط با علم و صنعت نفوذ یافته‌اند.	ارتقای فرهنگ عمومی مسئولیت‌پذیری، افزایش اعتماد اجتماعی به کنشگران علمی و صنعتی، و تقویت پیوند جامعه با علم و صنعت	(Kvasničková, Stanislavská et al, ۲۰۲۰؛ صفاریان و مرادی، ۱۳۹۵؛ توسلی و همکاران، ۱۴۰۴)

این جدول، یافته‌های اصلی پژوهش را درباره نقش تشکلهای مردمی علمی و صنعتی در اعتلای مسئولیت‌پذیری اجتماعی به صورت منسجم و تحلیلی ارائه می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که این تشکلهای از طریق بازتعریف مفهومی مسئولیت اجتماعی، تقویت مشارکت آگاهانه، پیوند دانش تخصصی با کنش اجتماعی، نهادینه‌سازی هنجارهای مسئولانه و ایجاد بازتاب‌های فرهنگی، نقش مهمی در ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی ایفا کرده‌اند. یافته‌ها بیانگر آن است که تشکلهای مردمی، به‌ویژه در حوزه‌های علمی و صنعتی، می‌توانند به عنوان نهادهای واسطه مؤثر میان جامعه، علم و صنعت عمل کرده و زمینه تقویت توسعه اجتماعی مبتنی بر اخلاق و تعهد اجتماعی را فراهم آورند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تشکلهای مردمی علمی و صنعتی نقش معناداری در اعتلای مسئولیت‌پذیری اجتماعی ایفا می‌کنند و این نقش از سطح فعالیت‌های فردی فراتر رفته و به شکل‌گیری کنش‌های جمعی و نهادمند منجر شده است. این نتیجه با چارچوب نظری مسئولیت اجتماعی کارول هم‌خوانی دارد که مسئولیت اجتماعی را فرآیندی چندبعدی و مبتنی بر تعامل میان اخلاق، اجتماع و ساختارهای نهادی می‌داند (Carroll, ۲۰۱۵). در پژوهش حاضر، تشکلهای مردمی به عنوان بازیگران واسطه، توانسته‌اند این ابعاد را در بستر علم و صنعت به یکدیگر پیوند دهند و زمینه درونی‌سازی مسئولیت اجتماعی را فراهم آورند.

در مقایسه با نتایج پژوهش براخاصی و همکاران (۱۴۰۴)، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تشکلهای مردمی نه تنها نقش تسهیل‌گر مشارکت اجتماعی را بر عهده دارند، بلکه در بازتعریف معنای مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز اثرگذارند. در حالی که براخاصی و همکاران بیشتر بر کارکردهای نهادی و شبکه‌ای تشکلهای تأکید کرده‌اند، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که این تشکلهای در سطح شناختی و هنجاری نیز نقش فعالی ایفا می‌کنند و می‌توانند نگرش کنشگران علمی و صنعتی نسبت به تعهد اجتماعی را تغییر دهند.

یافته‌های مربوط به تقویت مشارکت اجتماعی آگاهانه با نتایج پژوهش اسفندیار (۱۳۹۱) و صفاریان و مرادی (۱۳۹۵) هم‌راستا است. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مشارکت در قالب تشکلهای مردمی، ماهیتی آگاهانه و مبتنی بر احساس تعلق اجتماعی دارد. پژوهش حاضر این نتایج را بسط داده و نشان می‌دهد که در تشکلهای علمی و صنعتی، مشارکت اجتماعی با دانش تخصصی پیوند خورده و همین امر موجب افزایش کیفیت و اثربخشی



کنش‌های اجتماعی شده است. به بیان دیگر، مشارکت صرفاً کمی نبوده، بلکه واجد عمق تحلیلی و مسئولانه بوده است.

در حوزه پیوند دانش تخصصی با کنش اجتماعی، یافته‌های این تحقیق با نتایج Kuepfer و Papula (۲۰۱۰) هم‌خوانی قابل توجهی دارد. آنان تأکید می‌کنند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی زمانی اثربخش است که مبتنی بر دانش و شواهد علمی باشد. پژوهش حاضر نشان داد که تشکلهای مردمی علمی و صنعتی، بستر مناسبی برای تحقق این پیوند فراهم کرده‌اند و از این طریق، کنش اجتماعی را از سطح اقدامات احساسی به سطح تصمیم‌گیری‌های آگاهانه ارتقا داده‌اند. این نتیجه همچنین با یافته‌های یوسفی و همکاران (۱۴۰۲) درباره نقش دانش در ارتقای کنش اجتماعی همسو است.

در ارتباط با نهادینه‌سازی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های توسلی و همکاران (۱۴۰۴) هم‌راستا است. هر دو پژوهش نشان می‌دهند که استمرار فعالیت‌های جمعی، تدوین اصول اخلاقی و شکل‌گیری رویه‌های غیررسمی، نقش مهمی در تثبیت مسئولیت اجتماعی دارند. با این حال، پژوهش حاضر نشان داد که در تشکلهای علمی و صنعتی، این نهادینه‌سازی عمیق‌تر بوده و به سطح هویت حرفه‌ای اعضا نفوذ کرده است. این امر بیانگر آن است که تخصص علمی می‌تواند نقش تقویت‌کننده‌ای در درونی‌سازی ارزش‌های مسئولانه داشته باشد.

یافته‌های مربوط به بازتاب اجتماعی و فرهنگی فعالیت تشکلهای با نتایج پژوهش Kvasničková Stanislavská و همکاران (۲۰۲۰) هم‌خوانی دارد. آنان بر نقش فرهنگ سازمانی و اجتماعی در گسترش مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأکید کرده‌اند. پژوهش حاضر نشان داد که تشکلهای مردمی علمی و صنعتی، از طریق الگوسازی رفتاری و بازنمایی اخلاق حرفه‌ای، در شکل‌گیری فرهنگ مسئولانه مرتبط با علم و صنعت نقش ایفا کرده‌اند. این نتیجه همچنین با یافته‌های صفاریان و مرادی (۱۳۹۵) درباره افزایش اعتماد اجتماعی در نتیجه کنش جمعی همسو است. در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تشکلهای مردمی علمی و صنعتی می‌توانند به‌عنوان یکی از ارکان مهم توسعه اجتماعی مبتنی بر مسئولیت‌پذیری عمل کنند. مقایسه یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین بیانگر آن است که نقش این تشکلهای تنها در سطح اجرا یا مشارکت خلاصه نمی‌شود، بلکه در سطح مفهومی، فرهنگی و نهادی نیز قابل تحلیل است. این تشکلهای با پیوند دادن دانش، اخلاق و کنش اجتماعی، زمینه‌ای فراهم می‌کنند که در آن مسئولیت‌پذیری اجتماعی به بخشی از زیست حرفه‌ای و اجتماعی کنشگران علمی و صنعتی تبدیل می‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود مدیران سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با علم و صنعت، از ظرفیت تشکلهای مردمی علمی و صنعتی به‌صورت هدفمند بهره‌برداری کنند. حمایت از شکل‌گیری و تداوم این تشکلهای مشارکت دادن آن‌ها در تصمیم‌سازی‌های اجتماعی و صنعتی، و فراهم‌سازی بستر تعامل مستمر میان مدیران و تشکلهای می‌تواند به ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر شود. همچنین، مدیران می‌توانند با استفاده از دانش تخصصی موجود در این تشکلهای برنامه‌های اجتماعی مبتنی بر شواهد طراحی کرده و از الگوهای رفتاری مسئولانه اعضای تشکلهای برای تقویت فرهنگ سازمانی و اجتماعی بهره بگیرند.

منابع

- اسفندیار، حسن. (۱۳۹۱). اهمیت و نقش داوطلبان در دستیابی به توسعه پایدار با تاکید بر جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران (فرصت ها و تهدیدها). امداد و نجات ۴(۴)، ۵۷-۶۹
- اشرفی، جواد، رهنمای رودپشتی، فریدون، و بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۸). نظریه های مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتها. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۸(۳۱)، ۱-۱۴.
- براخاصی، بهار، پرهیزگار، محمدمهدی و نصراله نیا، محمد. (۱۴۰۴). شناسایی و رتبه بندی مؤلفه های بازاریابی خیرخواهانه با تمرکز بر اصول اخلاقی و مسئولیت پذیری اجتماعی. تحقیقات بازاریابی نوین، ۱۵(۱)، ۵۵-۸۶.
- توسلی، مهدی، محمدی، فاطمه، عبدالعظیم بیگ، فاطمه و سیدی، سید حسین. (۱۴۰۴). نقش تشکلهای غیردولتی در تحقق مسئولیت اجتماعی شرکتی. مطالعات وقف و امور خیریه، ۳(۲)، ۲۱-۴۲.
- شیخی، سینا. (۱۴۰۲). ارزیابی جایگاه مشارکت نهادمند اجتماعی در برنامه ششم توسعه و راهکارهای ارتقای آن در برنامه هفتم توسعه. فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۱۱(۳)، ۲۴۹-۲۷۴.
- صفاریان، محسن و مرادی، علی. (۱۳۹۵). عوامل اقتصادی- اجتماعی مرتبط با مسئولیت پذیری جوانان شاهد و ایثارگر استان کرمانشاه. جامعه شناسی کاربردی، ۲۷(۳)، ۱۳۵-۱۴۶
- ضیایی، سید یاسر و لطفی گماسایی، محسن. (۱۴۰۰). مسئولیت اجتماعی شرکت های فراملی؛ فرصت ها و چالش ها. پژوهشهای حقوقی، ۲۰(۴۶)، ۲۵۵-۲۸۲
- لاجوردی، س.، و کریمی، ه. (۱۴۰۱). تأثیر فرهنگ و رهبری مسئولیت اجتماعی شرکتی بر عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکتی و عملکرد مالی. فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۳، ۲۸۹-۳۱۴.
- یوسفی، جواد، ضیایی، محمود، کریمی علویجه، محمدرضا و محمودزاده، سید مجتبی. (۱۴۰۲). تبیین مدل مسئولیت پذیری اجتماعی در صنعت هتل داری با رویکرد فراترکیب. فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران، ۱۷(۶۶)، ۵۷-۹۴
- Carroll, A. B. (2015). Corporate social responsibility. Organizational dynamics, 44(2), 87-96.
- Kuepfer, J., & Papula, J. (2010). Corporate social responsibility—the dilemmas behind the popular concept and how to best address them!. International Journal of Sustainable Society, 2(3), 291-305.
- Kvasničková Stanislavská, L., Pilař, L., Margarisová, K., & Kvasnička, R. (2020). Corporate social responsibility and social media: Comparison between developing and developed countries. Sustainability, 12(13), 5255.

